



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اعتبار و حجیت قطع
موضوع جزئی: مقدمه - مقام دوم: بررسی حجیت قطع قطاع - کلام صاحب جواهر -
معنای قطاع - کلام شیخ انصاری
سال پانزدهم
تاریخ: ۲۲ آبان ۱۴۰۲
مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۵
جلسه: ۲۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در ادامه بحث از حجیت قطع گفتیم دو مطلب باقی مانده که باید آن را در دو مقام دنبال کنیم. این دو مطلب در حقیقت پاسخ به دو شبهه است. شبهه اول که درباره حجیت قطع ناشی از مقدمات عقلی بود توسط اخباریین مطرح شده و این باعث شد ما در مقام اول به این شبهه پاسخ دهیم و آن را بررسی کنیم.

مقام دوم: بررسی حجیت قطع قطاع

این شبهه پیرامون قطع قطاع است و اینکه قطع قطاع حجیت ندارد. این شبهه از زمان مرحوم کاشف الغطاء مطرح شده است. ایشان معتقد است که قطع قطاع حجیت ندارد. اگر کسی قطاع باشد نباید به قطع خود اعتنا کند. این مقام دوم بحث است. پس در مقام دوم بحث از حجیت قطع قطاع است و جهت آن نیز معلوم شد که چرا این بحث مطرح می شود. بعد از مرحوم کاشف الغطاء برخی دیگر از بزرگان نیز قائل به عدم اعتبار قطع قطاع شدند از جمله صاحب جواهر.

کلام صاحب جواهر

ایشان می فرماید «اما من کان کثیر الظن او القطع فظاهر البناء علی ظنه و قطعه الا اذا کان ما استفاد منه الظن او القطع معلوم و کان لا استفاد منه عند العقلاء» کسی که کثیر الظن یا کثیر القطع است، ظاهر این است که بر ظن و قطع خود بنا می گذارد مگر اینکه آنچه که از آن قطع و ظن استفاده می شود معلوم باشد و عقلاء نوعاً از آن اسباب قطع و ظن حاصل نکنند. «فانه حينئذ يشکل البناء علیه» اگر اینچنین شود یعنی اگر نوعاً عقلاً از آن چیزی که این شخص قطع پیدا می کند یا ظن پیدا می کند قطع و ظن برایشان حاصل نشود، آنگاه يشکل البناء علیه؛ در اینصورت قطع و ظن اعتبار ندارد. این عبارت نشان می دهد که ایشان نیز فی الجمله قطع قطاع را قبول ندارد و حجت نمی داند.

صاحب فصول نیز همین نظر را اختیار کرده و معتقد است که قطع قطاع حجیت ندارد.

صرف نظر از اینکه چه کسانی به عدم حجیت قطع قطاع ملتزم شده اند و آیا اینکه قطع قطاع عند المشهور حجت است یا خیر باید ببینیم قطاع به چه کسی می گویند.

شیخ انصاری در رسائل می‌فرماید «قد اشتهر فی السنه معاصرین» شهرت پیدا کرده در السنه معاصرین که قطع قطاع حجت نیست. (معمولا معاصرین یا بعض المعاصرین که در رسائل یا مکاسب می‌گویند اشاره به صاحب جواهر دارند و من تبعه) ما باید اولاً ببینیم قطع قطاع حجیت دارد یا ندارد، قطاع به چه کسی می‌گویند و بعد ادله اعتبار یا عدم اعتبار را بررسی کنیم.

معنای قطاع

قطاع بر اساس آنچه که از عبارت صاحب جواهر استفاده می‌شود، (نه اینکه به صراحت، ولی تلویحاً این معنا را می‌رساند) کسی است که قطع او از راهی حاصل می‌شود که آن راه نوعاً نزد عقلاء موجب قطع نیست. آنچه که ابتدائاً از این لفظ به ذهن متبادر می‌شود یعنی کسی که کثیر القطع است یا کسی که سریع القطع است، زود قطع پیدا کردن یا کثرت قطع را نوعاً در تفسیر قطاع ذکر می‌کنند. اما با استفاده از این عبارت و عبارتی که چند روز پیش از بعضی از کتب نقل کردیم می‌توان گفت که قطاع کسی است که از راه‌های غیر متعارف قطع پیدا می‌کند. طبیعتاً کسی که از راه غیر متعارف قطع پیدا کند هم کثرت و هم سرعت قطع محقق است. یعنی اگر کثیر القطع گفته‌اند یا اگر سریع القطع گفته‌اند به این جهت است که کسی که با اسباب غیر متعارف قطع پیدا می‌کند، کسی که از سبب‌های غیر متعارف عند العقلاء قطع پیدا می‌کند هم قطعش زیاد است و هم قطعش زود پدید می‌آید.

معمولاً عقلاء از راه‌های خاصی به چیزی یقین پیدا می‌کنند. اما از خواب مثلاً نوعاً یقین پیدا نمی‌کنند. خواب فوقش یک ظنی برای آنها ایجاد می‌کند ولی یقین پیدا نمی‌شود این روش کلی عقلاء است. حال فرض کنید اگر کسی از راه خواب یقین پیدا می‌کند این می‌شود قطاع، ممکن است که کم هم خواب ببیند ولی چون از یک راه غیر متعارف قطع پیدا کرده است به او قطاع می‌گویند. عرض کردم چه بسا آنچه در عبارات هم مشهور شده است که قطاع را به کثیر القطع یا سریع القطع تفسیر می‌کنند، ریشه‌اش همان باشد که ما عرض کردیم.

سوال:

استاد: این نیز قطاع است، زیرا نوع مردم با این علوم و دانش‌ها بیگانه هستند و به آن راه ندارند و راهی است که به تعبیر صاحب جواهر لایستفاد منه القطع عند العقلاء؛ نوعاً اینطور است.

سوال:

استاد: ما ابتدا قطاع را تعریف کردیم، حال می‌خواهیم ببینیم حجت است یا خیر؟

کلام شیخ انصاری

شیخ انصاری که معاصر با صاحب جواهر هم بوده است به بررسی این موضوع پرداخته است. ما مطالب ایشان را به طور خلاصه از کتاب رسائل بیان می‌کنیم و بعد می‌رویم سراغ محقق خراسانی و بقیه که آنها چه فرموده‌اند. ایشان در مقابل کاشف الغطاء و صاحب جواهر می‌فرماید: عدم حجیت قطع قطاع تارتا به عنوان قطع موضوعی مراد است و آخری به نحو قطع طریقی.

اگر مقصود عدم حجیت قطع قطاع در قطع موضوعی باشد این حرف درست است زیرا قطع موضوعی یعنی آنجایی که قطع به عنوان جزء الموضوع یا تمام الموضوع اخذ شده باشد و حکمی ثابت شده باشد. کاشف الغطاء که می‌گوید قطع قطاع حجیت ندارد اگر

منظورش این باشد ایشان می‌فرماید این مطلب درست است. زیرا قطعی که در موضوع اخذ می‌شود ناظر به قطع حاصل از طرق و اسباب متعارف است. نمی‌توانیم آن را ناظر به اسباب غیر متعارف عند العقلاء بدانیم.

اما اگر منظور ایشان این باشد که قطع قطاع به عنوان قطع طریقی حجیت ندارد، اینجا سه احتمال وجود دارد که هر سه احتمال باید بررسی شود.

احتمال اول: منظور کاشف الغطاء این باشد که چنانچه شخص قطع به چیزی یقین و قطع پیدا کرد و این مخالف با واقع بود مجزی نیست. اگر قطع یقین پیدا کرد که فلان عمل واجب نیست بعد معلوم شد که فلان عمل واجب است این مجزی نیست.

شیخ انصاری می‌فرماید اگر این مقصود باشد ما موافقیم منتهی مسئله این است که عدم الاجزاء در چنین مواردی اختصاص به قطع ندارد. بلکه هر جا کشف خلاف شود و معلوم بشود با واقع مطابق نیست قائل به عدم اجزاء هستیم. پس اگر منظور کاشف الغطاء این باشد که قطع قطاع در صورت کشف خلاف مجزی نیست، این حرف درستی است و ما نیز تأیید می‌کنیم ولی این اختصاص به قطع ندارد، غیر قطاع نیز این حکم را دارد.

احتمال دوم: اگر ما شخص قطع را که از اسباب غیر متعارف یقین پیدا می‌کند، متوجه کنیم که این سبب و طریقی که برای تو یقین و قطع ایجاد کرده، سبب درستی نیست. تو غیر عادی هستی که از این سبب یقین پیدا کردی، و الا نوع مردم از این راه و طریق یقین پیدا نمی‌کنند. به عبارت دیگر به نوعی ما او را از قطعی که برای او پیش آمده است ردع بکنیم، او را منع کنیم.

شیخ انصاری می‌فرماید این مطلب درست است ولی ردع و منع قطاع از قطعش در امور مهمه لازم است و اما در امور غیر مهمه لازم نیست، یعنی اگر کسی از سبب غیر متعارف یقین به امری پیدا می‌کند و ما می‌بینیم و می‌دانیم که سببی که برای او موجب قطع شده، یک سبب غیر عادی است. اگر آن امر، امر مهمی باشد مثل اینکه به اعراض و اموال و دماء مربوط باشد، بر ما لازم است که او را بر این خطا و اشتباه آگاه کنیم و از عمل به قطعش منع کنیم. کسی خواب دیده که فلانی مرتد شده و یقین پیدا کرده است، اگر اینجا او را از این خطا آگاه نکنیم این موجب هدر رفتن جان کسی می‌شود، اینجا بر ما لازم است که جلوی او را بگیریم. اما اگر امر غیر مهمی بود، مثل اینکه گوشه فرش اتاقتش نجس شده است، و قطع یقین دارد به طهارت، اینجا لازم نیست او را از عمل به این قطع منع کنیم. این امور غیر مهمه لازم نیست که مورد اشکال قرار بگیرد و خطای شخص قطع به او گوشزد شود.

احتمال سوم: این است که مقصود کاشف الغطاء از عدم حجیت قطع قطاع این است که قطع مثل شخص شاک است. قطع قطاع کالعدم است و هیچ اعتبار و ارزشی ندارد و همانگونه که کسی اگر شک در حکمی داشته باشد باید به اصول عملیه رجوع کند، کسی که قطع است و از طریق اسباب غیر متعارف یقین پیدا کرده است، نیز مثل انسان شاک است و او نیز وظیفه اش اجرای اصل عملی است نه اینکه به قطع خودش عمل کند.

شیخ انصاری می‌فرماید اگر مقصود کاشف الغطاء این باشد ما این حرف را قبول نداریم. زیرا امکان ندارد به کسی که یقین به حکمی دارد بگوییم تو خودت را شاک بدان. مثلاً یقین دارد که نماز جمعه در روز جمعه در عصر غیبت واجب است مثل اینکه در خواب دیده کسی که مورد وثوق اوست به او گفته که نماز جمعه در عصر غیبت واجب است، این شخص قطع است زیرا از یک سبب غیر متعارف برای او قطع پیدا شده است. به کسی که یقین به وجوب نماز جمعه دارد بگوییم نه تو به این قطع توجه نکن تو شاک هستی

و شک داری و احکام شک بر خودت جاری کن و همانگونه که شک در نماز جمعه اصل برائت جاری می کند و وجوب نماز جمعه را از خودش بر می دارد تو نیز اصل برائت جاری کن. این اصلا امکان ندارد، چطور به کسی که یقین دارد بگوییم تو شک هستی. مثل کسی که یقین دارد سالم است و شما بگویی تو مریضی و تو شک داری؟

سؤال:

استاد: نه می گوید شک؛ اصلا وظائف و مسئولیت های شخص شک متوجه تو هست. این امکان ندارد. عبارت ایشان این است «فی حال القطع مع کونه قاطعا لا یمكن اجراء احکام الشاک» زیرا موضوع آن احکام شخص شک است. این آقا می گوید من اصلا شک نیستم موضوع آن احکام شک است و من شک ندارم به چه دلیل آن احکام نسبت به من جاری شود؟ این محصل فرمایش شیخ انصاری در مقابل کاشف الغطاء و صاحب جواهر است و سخن آنها را اینچنین رد کرده است.

بحث جلسه آینده

حال فرمایش شیخ انصاری باید بررسی شود و از جهاتی جای شبهه و اشکال در سخن شیخ انصاری وجود دارد. ما کلمات شیخ انصاری را بررسی می کنیم و بعد مطالبی که محقق خراسانی اینجا بیان کردند را بیان می کنیم و بعد نهایتا باید ببینیم آیا واقعا می توانیم به حجیت قطع قطاع حکم کنیم یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»